

آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

مصطفی سراجی^۱، علی اکبر عباسی بهبهانی زاده^۲

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس (نویسنده مسول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور مرکز بین المللی عسلویه

چکیده

سازمان تجارت جهانی نهاد قدرتمند بین المللی است که با وضع قواعد و مقررات برای قانونمند کردن تجارت بین کشورها سروکار دارد. هدف این سازمان ایجاد ثبات در مقررات مربوط به تجارت است تا از این طریق تجارت بین کشورها حتی المقدور روان تر و کم هزینه تر انجام شود. کشور ما ایران پس از سالها مطالعه؛ بررسی و ارزیابی آثار مثبت و منفی الحاق ایران به این سازمان؛ ده سال پیش تصمیم گرفت؛ تا تقاضای عضویت خود را مطرح کند. کشورهای عضو سازمان موافقت کردند تا ایران عضو ناظر سازمان شود. در این مقاله برآنیم تا به بررسی آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی؛ تلاشهای ایران برای عضویت و ضرورت اصلاح قوانین و مقررات این سازمان پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: سازمان تجارت جهانی، ایران، آثار حقوقی.

مقدمه

امروز جهانی شدن به طور اعم و جهانی شدن اقتصاد و تجارت به طور اخص به یکی از موضوعات بحث برانگیز، چندبعدی و در عین حال جنجال آفرین تبدیل شده است. در ارتباط با جهانی شدن به طور، در طرز تفکر و نگرش ملاحظه می شود: یکی نگرش بدبینانه به جهانگرایی به عنوان پروژه ای تحمیلی و دیگری تلقی خوش بینانه به عنوان فرآیندی تعمیمی و در تعارض با هویت های ملی است. مخالفان، جهان گرایی را موجب تهاجم فرهنگ غربی، گسترش استکبار جهانی و تشویق ایدئولوژی مصرف گرایی و مسخ هویت ملی، ادغام فرهنگ های ملی و ترویج سکولاریسم، ماری گرایی، نسبت گرایی و لیبرالیسم و تهاجم فرهنگی و تهدید ادیان، اعتقادات و باورهای ملی کشورهای جهان سوم، غرب زدگی و در نتیجه پریشانی و سردرگمی ملی، اخلاقی، روانی و ... می دانند. موافقان و مدافعان جهان گرایی، جهانی شدن را فرآیند توسعه تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات الکترونیکی و موجب به هم پیوستگی جوامع و ملت ها، تقویت خودآگاهی جمعی و در نتیجه افزایش همکاری، تعامل و تبادل فرهنگ ها و توسعه تحمل، انعطاف تکثرگرایی و بازتولید آگاهی های بشری و ارتقای امکانات و ظرفیت های هویت های ملی قلمداد می کنند سازمان تجارت جهانی به عنوان مهمترین و مؤثرترین سازمان تنظیم کننده و ناظر بر مقررات تجاری بین المللی، بر اصولی همچون اصل رقابت منصفانه تجارت آزاد استوار است. تجارت آزاد مبین این مطلب است که کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی مکلفند علاوه بر ایجاد ساختارهای اقتصادی و حقوقی مناسب برای تحقق تجارت آزاد بین کشورهای عضو، از انجام اقداماتی که اصل فوق را مخدوش می کند، پرهیز نمایند (اخلاقی؛ ۱۳۸۵؛ ۱۹۵). هدف این مقاله بررسی موانع عضویت کامل ایران در این سازمان نیست، بلکه تلاش بر این است که در این فرصت کوتاه، مروری بر آثار حقوقی الحاق کامل ایران داشته باشیم و این مرور، به ویژه به مساله قانون تجارت ایران و وضعیت حقوق مالکیت فکری یا معنوی توجه دارد.

بیان مساله

جنگ جهانی اول و دوم با ضایعات جبران ناپذیری که به وجود آوردند موجب شدند تا نیاز به تشکیل سازمان هایی که بتوانند مناسبات بین المللی کشورها را قاعده مند و امنیت جهانی را تأمین کنند، بیش از پیش احساس شود. مراجع متعددی برای حل و فصل دعاوی در عرصه بین الملل وجود دارند که با توجه به اساسنامه و فلسفه وجودی آنها موضوع و حیثه صلاحیت هر یک متفاوت است. اهمیت تجارت بین الملل و دادوستد اموال و کالاها بین جوامع و کشورها در عرصه اقتصاد جهانی همواره امری قابل توجه بوده و از ابتدا نیاز به ایجاد تشکیلاتی که بتواند ساختار حقوقی این مبادلات را نظم بخشد احساس می شده است. بنابراین کشورها تلاش بسیاری برای نظام مند کردن پردازش تجارت بین المللی کرده اند. یکی از گام های مهمی که برای حذف موانع گمرکی برداشته شد انعقاد موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت گات بود؛ و لیکن پیچیدگی مسائل تجاری به حدی بود که گات نتوانست در مقابل شتاب اقتصادی بین المللی ایستادگی کند. به همین لحاظ ضرورت تأسیس یک نهاد مسئول در زمینه سامان بخشیدن و همچنین حل مسائل مربوط به تجارت و بازرگانی در دهه آخر قرن بیستم به وضوح آشکار شد. در این راستا پس از هشت دور مذاکرات، در دور اروگوئه سنگ بنای تأسیس سازمان تجارت جهانی گذاشته شد. پیدایش سازمان های بین المللی تجاری و اقتصادی همچون سازمان تجارت جهانی نه تنها به حفظ صلح کمک میکند بلکه با وجود مذاکرات کشورها و تعاملات اقتصادی بین آنها و نیاز روزافزون هر کشور در زمینه های مختلف به کشور دیگر بحث وابستگی متقابل را به وجود می آورد که روند توسعه را نیز فزونی می بخشد. امروزه در نتیجه جهانی شدن اقتصاد و تکنولوژی و گسترش روزافزون مراودات بین المللی، شاهد بروز اختلافات بیشتری در زمینه های مختلف اعم از تفسیر و اجرای معاهدات و کنوانسیون های بین المللی هستیم. همچنین افزایش و بهینه سازی روابط سیاسی و افزایش سطح تبادلات اقتصادی نیازمند سازوکارهای مختلفی از جمله وجود نهادهای مستقل، نوین، سریع العمل و کارآمد برای حل و فصل اختلافات است.

پیشینه تحقیق

پس از خاتمه جنگ جهانی دوم و از سرگیری تلاش‌های بین‌المللی، عرصه تجاری شاهد تلاش کشورهای برای ایجاد ساختارهای مناسب به منظور جلوگیری از منازعات مختلف تجاری بود. در نهایت در پایان یک فرایند پیچیده و گسترده مذاکراتی در سال ۱۹۷۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات به عنوان نهاد متولی مدیریت مناسبات تجاری چندجانبه شکل گرفت. بسیاری از کشورها مسائل مربوط به تجارت چندجانبه خود را حدود نیم قرن در چارچوب گات پیگیری می‌کردند. با وجود این، از یک سو به دلیل فقدان یک مبنای حقوقی برای گات، به عنوان یک سازمان بین‌المللی و از سوی دیگر به دلیل گسترده و پیچیده تر شدن مسائل مربوط به تجارت و بازرگانی بین‌المللی این نتیجه حاصل شد که دیگر گات مناسب تجارت دنیای جدید نیست و کشورها مذاکراتی را برای ایجاد سازمان تجارت جهانی آغاز کردند. بر همین اساس اعضای گات در دور اروگوئه که آخرین دور مذاکرات تجاری گات محسوب می‌شود با تصویب موافقت‌نامه مراکش سنگ بنای نهاد جدیدی به نام سازمان جهانی تجارت را گذاشتند. نظام حل و فصل اختلافات در چارچوب موافقت‌نامه گات دارای تکامل تدریجی بوده و برای قانونمند ساختن مراحل و روش‌های حل اختلاف ایجاد شد. در سیستم گات، کشورهای عضو ملزم بودند که ابتدا اختلافات خود را از طریق فرایند مذاکره حل و فصل کنند، چنانچه مذاکرات مزبور با شکست مواجه می‌شد، هیئتی تحت عنوان هیئت منصفه که معمولاً متشکل از سه نفر بود به موضوع رسیدگی می‌کردند. گزارش هیئت مزبور باید به مرحله بحث و تصویب طرفین می‌رسید. از آنجاکه رسیدن به یک نوع اجماع لازمه تصویب گزارش فوق بود، لذا هریک از طرفین می‌توانستند مانع از تصویب گزارش شوند. این امر معمولاً زمانی اتفاق می‌افتاد که منافع مهم سیاسی یا اقتصادی داخلی هریک از طرفین در معرض خطر قرار می‌گرفت. سازمان تجارت جهانی سازمانی بین‌المللی است که در اول ژانویه سال ۱۹۹۵ میلادی به منظور نظارت بر تجارت بین‌المللی و آزادسازی تجارت در سطح جهانی راه‌اندازی شد. این سازمان دنباله روی توافق جهانی در مورد تجارت و تعرفه‌ها یا به تعبیر دیگر (گات) است که در سال ۱۹۴۷ میلادی میان کشورهای مختلف جهان انجام شد. این توافقنامه حدود پنج دهه در سراسر جهان را در بر می‌گرفت، راه حلی برای موضوعات نوین عرصه کالا اجرا شد ولی چون تنها موضوع مبادلات اقتصادی میان کشورها ارائه نمی‌کرد. سازمان تجارت جهانی علاوه بر نظارت بر قوانین تجاری کشورهای مختلف، مسئولیت تکمیل قوانین موافقت‌نامه‌های تجاری جهانی و یا قوانین دو یا چندجانبه را نیز بر عهده دارد. قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ برگرفته از قانون تجارت فرانسه سال ۱۸۰۷ میلادی است. این قانون، قبل از انقلاب اسلامی ایران مورد بازنگری قرار گرفت و پیش‌نویس اولیه آن تهیه و تنظیم گردید و در سال ۱۳۴۷ به صورت لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت به تصویب رسید. در همین راستا کمیسیون قانون تجارت قوه قضاییه از ده سال پیش تاکنون، بازنگری قانون تجارت را در دستور کار خود قرار داد و از استادان و صاحب‌نظران دعوت به عمل آورد تا همکاری لازم را در این زمینه معمول دارند ولی به دلایلی چون کمبود نیروی انسانی و مال و سازمانی، پیشرفتی حاصل نکرد و این طرح عقیم ماند. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران نیز بدو از پنج سال پیش، موضوع بازنگری در این قانون را مطرح و با تشکیل جلساتی آن را مورد بحث قرار داده و از استادان و کارشناسان فن، خواهان ارایه نظرات و پیشنهادهای گردید که متعاقباً مسکوت ماند (قربانپور؛ ۱۳۹۴؛ ۱۱۳).

مبانی نظری

اقدامات عملی ایران برای ورود به سازمان تجارت جهانی

دست کم از یک دهه اخیر که بحث عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی مطرح شده است، نظرات متفاوت و بعضاً متضادی از سوی صاحب‌نظران در این باره بیان شده است. برخی معتقدند با عضویت کشورمان در این سازمان و آزادسازی تجاری، کشور ۷۰ میلیون ایران به بازاری پررونق برای واردات و مصرف کالاهای خارجی تبدیل خواهد شد و در این فضای رقابتی، عملاً واحدهای تولیدی دچار تعطیلی شده و بی‌کاری شدید کم‌ترین آثار آن خواهد بود. این عده بر این باورند، در این صورت، کشور باید برای همیشه آرزوی صنعتی شدن را از سر به در کند. در این میان دولت جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از این

دیدگاه‌ها و با بررسی جوانب موضوع، از سال‌ها پیش برای ورود به این سازمان تمهیداتی را اندیشیده است. بدیهی است که کشورهای متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی برای ورود به این سازمان، باید علاوه بر منطبق کردن قوانین و مقررات خود با الزامات WTO- به آزادسازی تجاری و بازکردن بازار کالا و خدمات خود بر روی کالاها و خدمات دیگر کشورهای عضو، اقدام نمایند. به همین جهت با تصویب برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، زمینه سازی برای انطباق قوانین و مقررات کشور-به ویژه در زمینه تجاری- با الزامات WTO و هم چنین آزادسازی تجاری آغاز شد. تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای و برداشتن موانع غیرفنی بر سر راه تجارت، یکسان سازی نرخ ارز، تجمیع عوارض، اصلاحات مالیاتی، لغو مجوزهای ورود، حذف پیمان سپاری و ثبت سفارش، خصوصی سازی، حذف سهمیه بندی، یکسان سازی نرخ سود تسهیلات بانکی، هدفمندسازی یارانه و جوایز صادراتی، عضویت در سازمان جهانی مالکیت معنوی، تصویب قانون جدید تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، رقابتی کردن و خصوصی سازی در سیستم بانکی و بیمه، حذف روش های دست و پاگیر گمرکی و ساده کردن مراحل صدور و ورود کالا، تصویب و ابلاغ سیاست های جدید اصل ۴۴ قانون اساسی، نسخ ضمنی و اصلاح برخی از مقررات تجاری، تهیه سند رژیم جامع تجاری کشور، پیش بینی تهیه و تدوین مقررات ضد دامپینگ از جمله اقداماتی است که دولت برای آزادسازی تجاری و انطباق قوانین و مقررات کشور با الزامات سازمان تجارت جهانی انجام داده است. (فیروزی؛ ۱۳۸۴؛ ۱۱۳).

گرچه عضویت در سازمان تجارت جهانی بیشتر تابع چانه زنی بین کشور متقاضی و این سازمان است، اما سازمان تجارت جهانی در مذاکرات الحاق، دو خواسته اساسی از کشورهای متقاضی دارد اولاً؛ تطبیق تدریجی قوانین و مقررات اقتصاد و تجارت داخلی با قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی؛ ثانیاً؛ باز کردن بازار کالا و خدمات داخلی بر روی طرفهای خارجی (شیرودی؛ ۱۳۸۳؛ ۱۹۷).

کشور متقاضی در روند مذاکره الحاق در کنار امتیازاتی که از سازمان تجارت جهانی و از اعضای آنکسب می کند، ناگزیر امتیازاتی را هم واگذار می کند. در غیر این صورت، هیچگاه مذاکرات به نتیجه نمی رسد و کشور متقاضی همواره از عضویت در سازمان تجارت جهانی محروم می گردد، در حالیکه به اعتقاد برخی، هیچ کشوری نمی تواند خود را از تجارت با بیش از صد و چهل کشور عضو سازمان تجارت جهانی که امور اقتصادی شان تابع مقررات سازمان تجارت جهانی است و بیش از ۸۰ درصد تجارت بین المللی در کشورشان جریان دارد، محروم سازد و تنها روابط تجاری خود را با سی کشور متقاضی در سازمان تجارت جهانی و حدود ده کشور که هنوز تقاضای عضویت خود در سازمان تجارت جهانی را مطرح نکردند، محدود کند. شاید به این علت، ایران از سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵- که به فکر عضویت در گات و سازمان تجارت جهانی افتاد-گامهایی در جهت تطبیق تدریجی قوانین اقتصاد و تجارت داخلی با مقررات آن دو سازمان و نیز گشودن بازار داخلی به روی کالا و خدمات یا حرکت به سوی آزادسازی تجارت، ایجاد رقابت و جرح و تعدیل در مقررات بازرگانی و در یک کلام؛ حذف موانع غیرتعرفه‌ای چون؛ یارانه و نیز حرکت به سوی رفع موانع تعرفه‌ای را آغاز کرد که از جمله می توان موارد ذیل را نام برد:

۱. در دهه اول ۱۳۷۰ رژیم تجاری خود را به منظور ارائه به گات و سپس سازمان تجارت جهانی تدوین کرد.

۲. در قانون برنامه توسعه سوم پیش بینی های لازم را به عمل آورد. به عنوان مثال؛ ماده ۱۵ قانون برنامه توسعه کشور مقرر می دارد: دولت موظف است برای رونق تجارت خارجی موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی را با رعایت ممنوعیت شرعی حذف و نسبت به تهیه برنامه زمان بندی نرخهای معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش آگهی و تعیین تعرفه های گمرکی اقدام کند بند ۱۴ این ماده می افزاید: به منظور حمایت از تولیدات داخلی و ایجاد زمینه رقابت در بازارهای جهانی، تعرفه های گمرکی و سود بازرگانی محصولات و خدمات بخش صنعت و معدن به پیشنهاد وزارتخانه های بازرگانی و صنایع و معادن طی مراحل قانونی به هیات وزیران تقدیم خواهد شد. بر این اساس دولت باید موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی را حذف کند تا تجارت رونق

بگیرد و از سوی دیگر، تعرفه های گمرکی و سود بازرگانی به گونه ای تنظیم شود که با تجارت و تولید تناسب لازم را داشته باشد.

۳. وزارت بازرگانی در ۲۳ تیر ۱۳۸۰ اعلام کرد که واردات تمام کالاها به جز کالاهایی که از نظر مذهبی یا قانونی ممنوع یا مشروطند، از ماه آینده مجاز خواهد بود. صدور همه کالاها و خدمات نیز، به استثنای تعداد معدودی از آنها، آزاد می گردد. همچنین این اقدامات که بر اساس برنامه ی سوم اقتصادی صورت می گیرد، به منظور اصلاح ساختار اقتصادی ایران است که آن هم مقدمه ای برای مشارکت در اقتصاد جهانی به شمار می رود. چند روز بعد روزنامه ها خبردادند که ورود همه کالاهای مجاز و مشروط از بازار چه های مرزی آزاد شد.

۴. همچنین معاون وزارت بازرگانی در مصاحبه ۲۳ تیر ۱۳۸۰ بیان داشت، خصوصی سازی، لغو انحصارات، اصلاح قانون نظام صنفی، اصلاح مقررات در جهت افزایش صادرات و تسهیل ترانزیت کالا از طریق ایران به دیگر کشورها که روی هم رفته به افزایش سرمایه گذاری، افزایش اعتبارات صادراتی برای کشور و ارتقای سطح تجارت با سایر کشورها منجر می شود، از اقدامات بعدی جمهوری اسلامی برای فراهم آوردن شرایط لازم، به منظور ورود به سازمان تجارت جهانی است (شیرودی؛ ۱۳۸۳:۱۹۸).

روند پیچیده عضویت در WTO

چنانچه شورای عمومی سازمان تجارت جهانی با تقاضای ایران برای عضویت در آن سازمان موافقت کند، این تصمیم به معنای پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی و قرار گرفتن ایران به عنوان یکی از اعضای سازمان و آغاز فعالیتهای اقتصادی بر اساس مقررات و قوانین سازمان تجارت جهانی نیست، بلکه به معنای پذیرش آغار فرآیند الحاق ایران به این سازمان است که فرآیندی پیچیده و زمان بر نیز می باشد؛ مثلاً، تقاضای چین برای عضویت در گات در سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶) به تصویب شورای عمومی رسید ولی آن کشور تا سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) به عضویت قطعی WTO در نیامده بود. چرا فرآیند الحاق یک کشور به گات و اکنون به سازمان طولانی است؟ و چرا پیش بینی می کنند که این روند در آینده طولانی تر خواهد شد؟ پاسخ به این سوال را باید در شرایط، امکانات و انتظارات اقتصادی و سیاسی طرفین جستجو کرد. به بیان دقیقتر، زمانی که شورای عمومی، تقاضای یک کشور برای عضویت در سازمان تجارت جهانی را بپذیرد، یک گروه کاری تشکیل می شود که همه اعضای سازمان در آن عضویت دارند. سپس گروه کاری، مطالعه رژیم تجاری کشور متقاضی را - که از سوی همان کشور تهیه و تدوین شده است - و نیز کار بررسی میزان انطباق اقتصاد آن کشور، با ۲۲۰ ماده WTO - که مجموعه شرایط عضویت یک کشور در سازمان تجارت جهانی را مشخص می کند - آغاز می نماید. در فرآیند این بررسی و مطالعه، سوالات و ابهاماتی برای گروه کاری یا هریک از اعضای آن پیش می آید که به صورت جمعی یا فردی و یا به شکل دوجانبه و چندجانبه به کشور متقاضی منعکس می شود و یا با آن کشورها در میان گذاشته می شود تا کشور درخواست کننده به آن پاسخ دهد. پاسخهای دریافتی ممکن است، پذیرفته شود و یا ابهامات دیگری را برانگیزد؛ بنابراین تعداد و تنوع سوالات، اختلافات سیاسی میان کشورها، تلاش برای امتیاز دهی متقابل، درگیر شدن اعضا در انجام سایر مسئولیتهای محوله از سوی اساسنامه سازمان تجارت جهانی و نیز الزام هر یک از اعضا در اجرای وظایف داخلی، فرآیند تراضی و توافق را طولانی می سازد. به عنوان مثال: در مورد روسیه پنج هزار و در مورد چین، سه هزار سوال از سوی گروه کاری مطرح گردید که این دو کشور در صدد تهیه پاسخ آن بر آمدند. البته به موازات پذیرش عضویت کشور متقاضی از سوی شورای عمومی، کشور متقاضی باید یک ناظر در سازمان تعیین کند تا او وسیله ای برای انتقال آگاهیها و پیامهای WTO به کشورش باشد (شیرودی؛ ۱۳۸۳:۱۹۵).

عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی

این که اساساً باید با سازمان تجارت جهانی مذاکره و در نهایت عضویت در این سازمان را دنبال نمود، در حالی که نتیجه مطالعات و بررسی ها می تواند ما را به تصمیم دیگری برساند که مثلاً به طور کلی باید دور سازمان تجارت جهانی را خط

کشید و نباید به فکر عضویت در این سازمان بود، باید قدری تأمل کرد. طولانی شدن فرایند مذاکرات عمدتاً بستگی به آمادگی کشور متقاضی برای قبول قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی و میزان گشایش بازار کالا و خدمات خود به روی سایر اعضا دارد. هر کشور متقاضی زودتر درخواست‌ها را اجابت کند و پذیرای تعهد مربوط شود و نظر گروه کاری را جلب کند، فرایند مذاکرات الحاقی زودتر خاتمه می‌یابد. لذا نگاه به سازمان تجارت جهانی و آثار و تبعات احتمالی آن بر کشور قطعاً باید بر یک نگرش بلند مدت (حتی شاید تا ده سال دیگر) استوار باشد و به این جهت باید تصویری از ایران ده سال دیگر را در ذهن داشته باشیم راهبردی ترین نکته‌ی بی که باید در رابطه با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی مورد توجه قرار گیرد، چگونگی حضور ایران در نظام اقتصادی بین‌الملل است پاسخ راهبردی به این حضور، موضع ما را در رابطه با این سازمان نیز روشن خواهد ساخت. اگر توسعه‌ی اقتصادی ایران را در گرو حضور فعال در نظام اقتصادی بین‌الملل می‌دانیم، قطعاً عضویت در مهمترین نهاد تجارت جهانی با عضویت ۱۳۷ کشور و انتظار عضویت ۳۹ کشور دیگر از لوازم اصلی این حضور خواهد بود. از سوی دیگر حضور در نظام اقتصاد بین‌الملل، طی کردن یک فرایند تدریجی و مرحله‌ی بی است. کشورهای فعال در این نظام اعم از توسعه یافته و در حال توسعه به طور یکسان مشارکت ندارند. آنچه که میزان مشارکت کشورها را در این نظام تعیین می‌کند، در وهله‌ی اول سطح توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی آنهاست و در وهله‌ی دوم نقشی است که اقتصاد بین‌الملل در اقتصاد داخلی آنها ایفا می‌کند. هرچه صنایع یک کشور از قدرت رقابتی بالاتری برخوردار باشند، آمادگی بیشتری برای پذیرش نیروهای اقتصادی بین‌الملل در قالب کالاها، فن‌آوری، سرمایه و تخصص دارند و می‌توانند از این نیروها و عوامل برای حضور در بازارهای جهانی استفاده کنند. آنچه که امروزه به عنوان وابستگی متقابل در میان کشورهای پیشرفته یاد می‌شود، به معنای همین حضور دو طرفه در نظام اقتصادی بین‌الملل است. تمامی کشورهای در حال توسعه طی سالهای اخیر گامهای بلندی به سمت توسعه‌ی صنعتی برداشته‌اند که سبب شده است هم بازار آنها (به معنای ساز و کار تخصیص منابع) توسعه یابد و هم به بازارهای جهانی متصل شوند. با توجه به آنچه گفته شد، اولویت نخست برای ایران یا هر کشور در حال توسعه‌ی دیگری جهت الحاق به این سازمان، آماده شدن برای ورود علمی و مدیریت شده به نظام اقتصاد بین‌الملل و حاکم کردن تدریجی عناصر اقتصاد بازار در کشور است شیوه‌ی ورود به سازمان تجارت جهانی هم مشابه حضور در نظام اقتصاد بین‌الملل از یک منطبق و یک رویه پیروی می‌کند یعنی حضور دوگانه در قالب حقوق و تعهداتی که هر کشور در این سازمان از آن برخوردار است. چنانچه می‌خواهیم با برقراری روابط تجاری قاعده مند با ۱۳۷ کشور جهان از مزایای منتفع شویم و برای صادرات خود بازارهای متعددی را تمهید کنیم، طبیعتاً باید دیگران را نیز از بازار خود منتفع نماییم؛ اما این تبادل به تدبیر و تفکر علمی و مدیریت شده نیاز دارد چرا که با بخش‌های زیادی از جامعه برخوردار دارد و برنامه‌های توسعه را متأثر می‌سازد. تمامی پیچیدگی عضویت به همین چگونگی مدیریت متوازن ساختن حقوق و تعهدات در قالب موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی متکی است یعنی چه بگیریم و چگونه بگیریم تا بتوانیم از آنها در اهداف رشد و توسعه‌ی خود بهره ببریم. آنچه مهم است جهت گیری توسعه‌ی اقتصادی کشورها در بلند مدت است؛ یعنی پیوند با اقتصاد بین‌الملل در بلند مدت تا چه میزان در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی کشور لازم است و تا چه حد باید از این نیروها برای توسعه‌ی اقتصادی کشور استفاده کرد؟ در مذاکرات الحاقی، دو خواسته‌ی اساسی از کشورها مطرح می‌شود. اول، تطبیق تدریجی قوانین و مقررات اقتصادی و تجاری داخلی با قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی که همان اصول اقتصاد بازار است ولی یک بازار سازمان داده شده. دوم، باز کردن بازار کالا و خدمات به روی طرف‌های تجاری است. مجموعه‌ی این دو خواسته، از عناصر اصلی برای ایجاد یک نظام اقتصاد بازار است، نظامی که نیروهای غیردولتی وظیفه‌ی جا به جایی منابع و تولید ثروت را به عهده دارند. دولت باید گام‌های بزرگی برای این امر بردارد. اگر از تجربه‌ی سایر کشورها مثال می‌زنیم و اگر کاهش مداخلات دولت را در اقتصاد از ویژگی‌های اقتصاد بازار امروز بر می‌شمیریم، باید توجه داشت که تمامی کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته‌ی بی که در امر توسعه‌ی صادرات توفیق داشته‌اند به کمک دولت بوده و حمایت دولت در تمامی این کشورها شرط اساسی بوده است؛ اما دولت باید یاد بگیرد که چگونه و از چه چیز حمایت کند و به تعبیر عام‌تر مدیریت اقتصاد مدرن را در این عنصر بیاموزد. به این معنا که در مورد صنایعی می‌توان امتیاز داد و زمینه‌ی ورود و فعالیت دیگر کشورها را در آن صنعت فراهم ساخت که

پتانسیل صادراتی بیشتری دارند و به کمک نیروهای اقتصاد بین الملل می توان صادرات آنها را توسعه داد. در واقع صناعی را باید گزینش کرد که با ورود رقبای خارجی نه تنها از گردونه ی رقابت خارج نشوند که برعکس با استفاده از تجربیات، تخصص، امکانات دسترسی به بازار، روش های کاهش هزینه ی تولید، بالا بردن کیفیت بهره وری و کیفیت تولید نیروهای رقابتی خارجی، بتوانند زمینه ی توسعه صادرات خود را فراهم کنند (امیدبخش؛ ۱۳۸۰؛ ۱۹۷).

مهمترین اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی عبارتند از:

۱. حذف یا کاهش موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای کالاها و خدمات

۲. اصل رقابت عادلانه

۳. اصل عدم تبعیض

سازمان این هدف را دنبال می کند تا موجبات استقرار نظام تجاری چند جانبه، ایجاد و ثبات در قوانین و مقررات و اصول تجارت خارجی دول عضو و رشد کشورهای در حال توسعه را تأمین کند. عضویت در سازمان، بازار بزرگتری را برای اعضا فراهم می کند و باب ورود کشورهای عضو را به بازارهای جهانی می گشاید و حضور فعال آنها را در میان بازارها تسهیل و صنایع داخلی را به توسعه صادرات ترغیب میکند. با عضویت کشورمان ایران در این سازمان، محیط و فضای اقتصادی-تجاری کشور برای سایر کشورها روشن و شفاف شد، سرمایه و صنایع به سمت و سویی می روند که در آن سود و درآمد وجود دارد و این خود موجب تقویت الگوی توسعه است (اخلاقی؛ ۱۳۸۵؛ ۱۹۸).

آثار حقوقی الحاق ایران

عضویت کامل ایران در سازمان بیش از هر چیز، آثار خود را در قلمرو اقتصادی ایران بروز خواهد داد. ایران از موانع بزرگی برای ایفای نقش در سازمان رنج می برد:

انحصارات گسترده دولتی موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای، اعطای یارانه های دولتی و سیاست های وارداتی بجای صادراتی از جمله این موانع هستند عضویت ملامت با تغییر و تحولات بنیادی در این زمینه ها دارد. در مورد انحصارات دولتی، آمار چنین نشان می دهند که حدود ۸۰٪ از صنایع ایران دولتی است و از ۲۰ درصد باقیمانده، بخش عمده ای از آن زیر نظر سازمان ها و موسسات و نهادهای عمومی فعالیت می کنند. مسایل مالی، ساختاری و مدیریتی در صنایع دولتی باعث شده تا سطح کارایی تنزل یافته و از انعطاف پذیری ناچیزی برخوردار باشد. روند خصوصی سازی با طی برنامه های اول، دوم و سوم پیشرفت مطلوبی نداشته و از حجم تصدی گری دولت نکاسته است. سیاست های کلی نظام در ارتباط با بندهای (الف)، (ب) و (ج) اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغ آن به دولت هنوز جدی گرفته نشده است. موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای دولت برای حمایت از صنایع داخلی با ساختار سازمان سازگاری ندارد و مستلزم تغییرات در اقتصاد بسته ایران است. اعطای یارانه های دولتی که به منظور رقابتی کردن محصولات داخلی به خارجی و حمایت از تولیدکنندگان داخلی و کمک به اقشار آسیب پذیر از بدو انقلاب اسلامی ایران تاکنون در برنامه دولت قرار دارد با اصول سازمان همخوانی ندارد زیرا زمینه ساز تجارت ناعادلانه به حساب می آید. اصل رقابت عادلانه که از اصول حاکم بر سازمان است در قاموس اقتصادی ایران، هنوز ناشناخته مانده و در جامعه ما ارزش تلقی نمی شود. واقعیت های موجود در بازارهای بین المللی حکایت از این دارد که اصل را باید بر رقابت عادلانه گذاشت. روند جهانی شدن اقتصاد و تجارت گویای این مطلب است که تنها تولیدکنندگانی در صحنه باقی می مانند که به وسعت دنیای کنونی پیابند (اخلاقی؛ ۱۳۸۵؛ ۱۹۹).

فرایند رسیدگی در سازمان تجارت جهانی

آئین دادرسی سازمان تجارت جهانی مشتمل بر مراحل ذیل است:

الف - مشورت: اعضای سازمان تجارت جهانی زمانی که معتقد باشند عمل عضو دیگری موجب نقض و یا نادیده گرفتن و یا زیان رساندن به منافع آنها است که حاصل از موافقتنامه است، می توانند در خواست مشورت کنند. هدف از مرحله مشورت قادر ساختن طرفین اختلاف به درک بهتر و واقع یتر موضوع اختلاف و ادعاهای حقوقی در رابطه با موضوع اختلاف برای حل آن، بدون مراجعه به مراحل بعدی است. در این مرحله امکان استفاده از میانجیگری مدیر کل سازمان نیز وجود دارد. تحت شرایط خاصی اعضای سازمان تجارت جهانی با علایق تجاری قابل توجهی می توانند به عنوان طرف ثالث وارد مرحله مشورت شوند (قربانپور؛ ۱۳۹۴: ۱۱۷).

اولین گام در سیستم حل و فصل اختلاف (سازمان) درخواست مشورت عضو از عضو یا اعضای دیگر است. عضو یا اعضای دیگر موظف اند (از تاریخ دریافت درخواست مشورت) در ظرف ده روز به این درخواست پاسخ داده و با حسن نیت ظرف مدت سی روز وارد مرحله مشورت شوند. پس از گذشت شصت روز و عدم حصول نتیجه قابل قبول، عضو شاکی می تواند درخواست تشکیل (هیئت رسیدگی) کند (قربانپور؛ ۱۳۹۴: ۱۱۷).

ب - هیئت رسیدگی: در صورت عدم موفقیت مشورت و سایر کانال های دیپلماتیک دولت خواهان می تواند تقاضای تشکیل هیئت رسیدگی را بنماید و مرجع حل اختلاف در اولین جلسه خود تشکیل یا عدم تشکیل هیئت را تصویب می کند. در مرحله تشکیل هیئت رسیدگی نیز چنانچه دولتی احساس کند که منافعش در میان است میتواند در مراحل رسیدگی هیئت مزبور شرکت نماید. اعضای هیئت منصفه باید کاملاً بی طرفانه به ارزیابی موضوع بپردازند. هیئت منصفه می تواند اطلاعات مربوط را از هر کجا که لازم می داند، کسب و استخراج کند. همچنین، می تواند در موارد فنی و علمی گروهی را به عنوان مشاور، طرف شور قرار دهد. بررسی ها و مذاکرات هیئت منصفه کاملاً محرمانه است و این گزارش ها معمولاً طی شش ماه به اعضا منعکس می شود. وظیفه هیئت رسیدگی این است که قضیه را بررسی، ادعاهای طرفین را استماع و گزارشی را که شامل تشریح وقایع و نتیجه گیری از موضوع مطروحه است، برای رکن حل اختلاف تهیه نماید. معمولاً دولت شاکی اولین اظهاریه کتبی و دولت خواننده دومین اظهاریه کتبی را می دهند و آنگاه جلسه استماع برگزار می شود. به دنبال دو مین نشست ماهوی با طرف ها، هیئت بخش توصیفی گزارش خود را، حاوی واقعیات ذی ربط، خلاص های از مواضع طرفین و احیاناً طرف ثالث، جهت اظهار نظر طرفها صادر می کند، ولی هیچ نشانی از فرجام کار در گزارش هیئت نخواهد بود. هیئت رسیدگی کننده، ظرف دو تا چهار هفته از دریافت نظر طرفین در مورد بخش توصیفی باید گزارش کامل خود را برای بررسی طرف ها و سپس در نسخه نهایی صادر کند. رکن حل اختلاف موظف است ظرف شصت روز پس از توزیع گزارش هیئت، گزارش را تصویب کند. در دو حالت ممکن است گزارش هیئت تصویب نشود یا یکی از طرف های اختلاف تصمیم خود را برای استیناف رسماً به رکن حل اختلاف اعلام کند و یا رکن حل اختلاف اجماعاً تصمیم به عدم تصویب گزارش بگیرد. به عنوان قاعده ای کلی، مدت زمان رسیدگی پانل ها از شش ماه تجاوز نمی کند. البته در موارد اضطراری ممکن است مهلت رسیدگی به سه ماه نیز کاهش یابد (قربانپور؛ ۱۳۹۴: ۱۱۸).

ج - استیناف: استیناف یکی از ابداعات نظام حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی و مخلوق مذاکرات دور اروگوئه در رسیدگی به اختلافات بین دول است که موجب قضائی تر شدن رویه حل اختلاف سازمان شده است. طبق مقررات تفاهم نامه حل اختلاف، تنها طرف های اختلاف و نه طرف های ثالث، میتوانند در مورد گزارش هیئت رسیدگی تقاضای استیناف کنند. رکن استیناف مرکب از هفت نفر افراد غیردولتی صاحب صلاحیت با احراز و مهارت های محرز در امور حقوق، تجارت و زمینه موضوع اختلاف، است. اعضای هیئت استیناف برای یک دوره متناوب چهارساله با امکان انتخاب مجدد منصوب می شوند و اعضا باید دارای درجه و کالت بوده و عالم به موضوعات مندرج در موافقتنامه مربوط باشند. این رکن باید ظرف مدت شصت روز و در

صورت تمديد ظرف نود روز گزارش خود را جهت ارائه به ركن حل و فصل اختلاف آماده نمايد (قربانپور؛ ۱۳۹۴: ۱۱۹).

نتیجه گیری

«ایران طی بیست سال آینده به کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه و الهام بخش در جهان اسلام، متکی به اراده و عزم ملی در پرتو تلاش و کوشش جمعی و همچنین دارای تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل تبدیل خواهد شد» به نظر می رسد که چشم انداز بیست ساله کشور و سند جامع توسعه صادرات کشور، با توجه به روند جهانی شدن اقتصاد و تجارت تنظیم یافته تا ایران، به عنوان عضوی از اعضای سازمان تجارت جهانی نقش شایسته خود را ایفا کند. کارگزاران نظام به این واقعیت توجه داشته و دارند که از سال ۱۹۴۸ تاکنون بیش از چهل اتحادیه تجاری و گمرکی و اقتصادی منطقه ای بین کشورها، تشکیل شده است. اتحادیه اروپا با سابقه ۴۵ سال، تشکیل پیمان نفتا بین امریکا، کانادا و مکزیک و نیز تاسیس آسه آن و دیگر اتحادیه ها در این آمار قرار دارند. به گفته اقتصاددانان کشورها، در فرایند جهانی سازی بازارهای کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، به هم پیوند خورده است. ۱۴۵ کشور که بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی را در دست دارند و ۲۵ کشور دیگر که منتظر پذیرش در سازمان تجارت جهانی هستند، با هم امتیازاتی را مبادله کرده اند که کار اقتصادی و بازرگانی را برای کشورهای خارج از این توافقات (از جمله ایران) سخت تر کرده است. این کشورها موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای، سهمیه بندی و ممنوعیت ها را به شدت کاهش داده اند. آمار چنین نشان می دهد که امروز متوسط تعرفه در سطح جهانی شدن تنها ۶/۳ درصد است درحالی که بیش از ۲۰ درصد تجارت جهانی از هرگونه تعرفه معاف است. روند جهانی شدن تجارت و شکوفایی آن تا به حدی که امروزه ما شاهد هستیم، طی پنجاه سال و با تلاش و کوشش جمعی دولت ها به دست آمده است، نباید و نمی توان این گونه تحولات را صرفا ناشی از سیاست های استکباری و استعماری و در جهت تامین مطالب کشورهای صنعتی و شرکت های فراملی ارزیابی کرد. سیاست تکروی و انزوا طلبی در جهان کنونی دیگر کاربردی ندارد و همه باید تلاش کنیم تا کشورها، با این امکانات وسیع و موقعیت چشم گیر جغرافیایی-سیاسی، هرچه زودتر از انزوا خارج شده به جرگه کشورهای اثرگذار در قلمرو اقتصاد و تجارت بپیوندیم و به جای آثار منفی، به آثار مثبت آن بیندیشیم.

منابع:

۱. اخلاقی؛ بهروز؛ آثار حقوقی الحاق ایران ب سازمان تجارت جهانی؛ ۱۳۸۵؛ مجله کانون وکلا؛ شماره ۱۹۵؛ صص ۱۹۵-۲۱۲.
۲. امیدبخش؛ اسفندیار؛ جمهوری اسلامی ایران و سازمان تجارت جهانی؛ ۱۳۸۰. مجله سیاست خارجی؛ شماره ۵۳؛ صص ۱۸۷-۲۰۴.
۳. شیروودی؛ مرتضی؛ ایران: تلاشی طولانی برای الحاق به سازمان تجارت جهانی؛ ۱۳۸۳؛ پژوهشنامه اقتصادی؛ شماره ۱۲؛ صص ۱۸۷-۲۰۳.
۴. فیروزی؛ مهدی؛ جمهوری اسلامی ایران و سازمان تجارت جهانی؛ ۱۳۸۴؛ رواق اندیشه؛ شماره ۵۰؛ صص ۸۹-۱۱۵.
۵. قربانپور؛ شبتم؛ فرایند حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی؛ ۱۳۹۴؛ کانون وکلای دادگستری؛ شماره ۴۰؛ صص ۱۱۱-۱۲۲.

The legal Effect of Iran's Accession to the World Trade Organization

Mostafa Seraji¹, Ali Akbar Abbasi Bahbahanizedeh²

1. Assistant Professor of Islamic Azad University, Branch of Bandar Abas (Corresponding Author)
2. M.A Student of International Law, PNU, the International Unit of Asalouyeh

Abstract

The World Trade Organization (WTO) is a powerful international institution concerned with making rules and regulations to legalize the trade among the member countries. The goal of this organization is to stabilize the regulations related to trade so that it can make the trade among countries possibly smoother and less costly. After years of study and evaluation of the positive and negative effects of accession to this organization, our country, Iran decided to apply for the membership of this organization. The member countries of this organization agreed on Iran's becoming an observer member of the organization. We seek in this paper to investigate the legal effects of Iran's accession to the World Trade Organization; Iran's efforts to join this organization and the need to reform the laws and regulations of the organization.

Keywords: World Trade Organization, Iran, legal effects
